



په اروپا کی دافغان پناهندگانو دټولنو فدراسیون فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

سر بریدنها کاسه صبر مردم را لبریز ساخت

هنوز خون رخشانه، زن جوانی که خواست شوهرش را خودش انتخاب کند و قربانی سنگسار طالبانی شد خشک نشده است که داعشیان وحشت هولناکتری را مرتکب گردیده هفت گروگان بیگناه خود را که در آن زن و طفل هم شامل بود سر بریدند. این جنایت بزرگ و نابخشودنی کاسه صبر مردم افغانستان را که ۱۴ سال سوء اداره و بی اعتنایی به خواستههای خویش را صبورانه، به امید بهتر شدن اوضاع اجتماعی، مخصوصاً شرایط امنیتی گذرانده بودند، لبریز ساخت و به تظاهرات تاریخی ۱۱ دسمبر وگردهمایی های که در همبستگی با آن در ۲۶ ولایت افغانستان صورت گرفت، انجامید. اعتراضات متذکره حاکی از همصدایی ملی واقعی ایست که به ابتکار مردم در برابر به اصطلاح "حکومت وحدت ملی" شکل گرفت. این اعتراضات زنگ هشدار را نه تنها در ارگ بلکه در قصر سفید هم صدا در آورد. پیام این حرکات خود جوش مردم روشن بود: یا امنیت باشندگان افغانستان را تأمین کنید یا استعفا بدهید.

کشتار دسیسه آمیز هفت هموطن ما برای عاملین دسیسه نتیجه معکوس ببار آورد. این دسیسه منجر به نفاق بین مردم افغانستان نشد. بلکه مردم افغانستان مثل همیشه درین روزهای دشوار صفوف خود را فشرده تر ساخته و با اعتراضات مدنی با نظم بر عطالت و بی برنامهگی دستگاه حاکم غنی-عبدالله و بی اعتنایی حامیان خارجی شان انگشت اعتراض گذاشته و ایشان را دعوت به تحرک یا استعفا نمودند. برخی هموطنان این سوال را مطرح میکنند که چرا چنین حرکت اعتراضی بزرگ قبل از روز چهارشنبه ۱۱ نوامبر صورت نگرفت، در حالیکه سوء اداره، عطالت و بی برنامهگی قبلاً هم وجود داشت؟ جواب این سوال را در تغییرات اقتصادی و امنیتی سال جاری باید جستجو کرد.

اقتصاد تصنیعی و امنیت ضربه پذیر و موقتی که نیروهای نظامی خارجی با خود به همراه آورده بودند، طی ۱۳ سال حضور وسیع شان در افغانستان، به رشد زیربنا های اقتصاد داخلی کمکی نکرد و برعکس به ریشه گرفتن مافیای در اقتصاد و سیاست کشور منجر گردید. پولهای مالیه دهندگان کشورهای غربی که بنام باز سازی افغانستان تخصیص می یافت، بیشتر برای چاق شدن همین گروپهای مافیایی بمصرف رسیدن تا برای رفاه مردم افغانستان. بالای ریشه اقتصاد ما سرمایه گذاری نشد و اما تا لحظه که تمویل پروژه ها ادامه داشت، بنحوی به شاخ و برگ های اقتصاد ما پول تزریق میشد و بازار اجناس و کاردر حد بخور نمیر میچرخید. با نزدیک شدن تاریخ خروج بخش اعظم نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴، علاقه دول غربی به تمویل پروژه های ساختمانی و خدماتی نیز حدود ۸۰ فیصد تنزیل را تجربه کرد. وزارتهای که به مرضی مزمین بی ظرفیتی مبتلا اند نیز نتوانستند از طریق مصرف بودجه انکشافی خویش برای عده ای از بیکاران جای کار خلق کنند. بنابراین در تعداد جا های کار تقلیل بحران آفرین بعمل آمد. عده زیادی از شرکت ها ی ساختمانی و مؤسسات خدماتی مجبور به انحلال خویش شدند. وقتی ۵۰ فیصد از افراد واجد شرایط کار بیکار باشند،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درن بنسټ تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ووظایفی که معاش دالری داشتند از بین بروند، قدرت خرید مردم به نصف تنقیص می یابد. بازار فروش مخصوصاً برای تولیدات که ضروریات اولیه شمرده نمیشوند، از بین رفت. برخی سرمایه داران داخلی بخاطر عجز دولت در تأمین امنیت خانواده های شان، عدم ثبات سیاسی ناشی از دوسره بودن حکومت و نبود برق دوامدار مجبور به کشیدن سرمایه خود از افغانستان شدند و عده ای هم که برای پول اندوزی به افغانستان آمده بودند، با خروج عساکر خارجی آنها هم از افغانستان رفتند زیرا دیگر دالری برای تاراج وجود نداشت.

سیستم دفاعی و امنیتی کشور نیز بر یک پایه یعنی قوای زمینی استوار ساخته شده و حرکت میکند. حتی به همین قوای زمینی هم جز اسلحه و عرادات محاروبی سبک چیز دیگری داده نشده است. معلوم نیست چرا امریکا و کشورهای ناتو با وصف اینکه سالانه ۴ میلیارد دالر را به مصرف قوای امنیتی افغانستان بمصرف میرسانند، درجه تسلیم قوای زمینی ورشد قوای هوایی را اینقدر ضعیف نگهداشته اند؟ از جانب دیگر تشکیل وزارت های داخلی، دفاع و امنیت ملی در دوران کرزی-فهمید از دید منافع تنظیمی ساخته شده و سران قطعات نظامی فاقد تحصیل و تجربه لازم برای رهبری میباشند. فساد ارگانهای امنیتی هم ریشه خود را از همان دوران دارد. تقسیم مجدد پستهای کلیدی بین تیمهای غنی و عبدالله به بهبود این وضع نه بلکه به وخیم تر شدن آن منجر شد. درخواست مکرر برخی جبهات در حال جنگ برای مهمات و پشتیبانی هوایی بی جواب گذاشته میشود و قطعات مذکور مجبور به تسلیم میشوند. قوماندانهای تنظیمی که جز پول اندوزی انگیزه دیگر ندارند، با توپ و تانک خود در برابر چند تروریست عقب نشینی میکنند. برای درخواست کمک هوایی یک سیستم سریع و مؤثر وجود ندارد. داعش و طالب واحد های اداری ما را اشغال میکنند، اما دولت تا وقتی سکوت میکند که آنها بالای پوسته های امنیتی همجوار حمله کنند. امنیت ملی از عدم دسترسی به لوازم مدرن استخبارتی مینالد و پرسونل اش نیز میراث دستگاه جهانی خاد است که تحصیلی جز کورس ششماهه ک.گ.ب ۳۵ سال قبل ندارند و از کهلوت رنج میبرند. در جانب مقابل طالبان و داعش از پشتیبانی استخبارات قدرتمند منطقوی برخوردارند. چون نیروهای امنیتی در چنین وضعیتی قرار دارند، قادر به تأمین امنیت اتباع کشور نیستند.

در چنین وضعی مردم حق دارند اعتراض کنند و خواستار استعفاى سران دولت شوند. شعار های تظاهر کنندگان هم روی همین دو بحران متمرکز بود: بحران اقتصادی و بحران امنیتی. حکام سه و نیم دهه اخیر این احساس را از مردم افغانستان گرفته اند. اگر وضعیت بهمین منوال ادامه پیدا کند، مردم آرام ننشسته و دامنه اعتراضات یکپارچه شان بیشتر و وسیع تر خواهد شد.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

د یانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درن بڼت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی